



پروین کابلی

وارد سایگون میشوند و رژیم طرفدار آمریکا در ویتنام جنوبی سقوط میکند مردم آمریکا از اوضاع خبر چندانی ندارند.

تابستان امسال، برای جمهوری اسلامی شبیه آخرین سالهای جنگ ویتنام میباشد. همزمان با

ادامه در صفحه ۲

سخن سردبیر!

تابستان گرم جمهوری اسلامی!

میلادی به آن میپردازد. شاید مشابهتی بین مبارزاتی که اکنون بر علیه جمهوری اسلامی در جریان است و جنبش علیه جنگ در دهه 70 وجود ندارد. اما نکته‌ای که توجه من را جلب نمود این است که هرچه مبارزه علیه جنگ رادیکالتر و گسترده تر میشود و دولت وقت آمریکا و کاندیداهای ریاست جمهوری مانند نیکسون وعده پایان جنگ را میدهند، همزمان بودجه بیشتری به جنگی که در حال باختن هستند اختصاص میدهند. تا زمانی که نیروهای ویت کونگ

در چند هفته اخیر که تعطیلات تابستانی بود چند کتاب جالب را برای خواندن انتخاب نمودم. یکی از این کتابها که هنوز مشغول خواندن آن هستم بیوگرافی جین فوندا تحت عنوان زندگی من تاکنون میباشد. مطمئن نیستم که این کتاب به فارسی ترجمه شده باشد. در فرصتی تلاش خواهم نمود که حتما آن را به خوانندگان نشریه معرفی کنم. ولی آنچه که مرا واداشت که به این کتاب اشاره کنم مبارزاتی است که جین فوندا بر علیه جنگ ویتنام در اواخر دهه 60 و اوائل دهه 70

در این شماره:

سخن سردبیر

۱ متن سخنرانی هما ارجمند در کنفرانس مطبوعاتی مقابل مجلس ایالتی انتاریو

متن سخنرانی هما ارجمند مسئول کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی کانادا در کنفرانس مطبوعاتی مقابل مجلس ایالتی انتاریو

تاریخ ۳۰ ژوئیه

وقتی که آنها را به عنوان اسلامی، یهودی، کاتولیک، هندو و غیره از هم تفکیک کنیم و بعد آنها را بطور رسمی و قانونی در اختیار مدارسی قرار دهیم که در آنها آموزش دکمهای مذهبی و رسوم عقب افتاده هر روزه تعلیم داده شود، حاصل آن جز ایجاد يك آپارتاید همه جانبه نخواهد بود. این چیزی جز تجاوز آشکار به حقوق جهانشمولی کودک نیست. بر خلاف ادعاهای جان توری و حزبش این پلانفرم نه تنها سدی در مقابل تبعیض نیست و یا کوششی جهت احترام به اقلیتهای جامعه، بلکه جاده صاف کنی

ادامه در صفحه ۲



میگذارد تا قانونا با احداث مدارس مذهبی حقوق کودک را زیر پا بگذارند. اما ما هرگز اجازه نخواهیم داد که توری و حزبش برای به قدرت رسیدن حقوق کودک را به بازی بگیرند.

پرچم ایدلوژیك توری و حزبش در این میان بر همگان روشن است. این پرچم چیزی جز آپارتاید حقوقی، اجتماعی، فکری، روحی، فرهنگی، جغرافیایی و مدنی نیست. واقعیت اینست که کودکان در طی رشدشان در اجتماع و خانواده تمام فرهنگ، رسم و رسوم و قوانین را بطور اتوماتیک بعنوان نرم فرا میگیرند.

ضرب العجل بودن فراخوان کنفرانس مطبوعاتی امروز علیه مدارس مذهبی دولتی در انتاریو این بود که جان توری و حزبش اخیرا در يك اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کردند که در صورت به قدرت رسیدن در انتخابات آتی، به تمام مذاهب اصلی اجازه خواهند داد که با بودجه دولتی مدارس خود را دایر کنند. ما مدافعین حقوق کودک همراه با سایر سازمانهای مترقی در این کنفرانس مطبوعاتی اعلام میکنیم که او و حزبش بازی خطرناکی را شروع کرده اند. او با استفاده از اصل احترام به فرهنگها، دست سازمانها و صنعت مذهب را باز

دستگیری و ضرب و شتم ۲۷۰ جوان در یک شب

۲ تجاوز قبل از قتل ناموسی

۳ هنوز در زندان است

۴ از میان نامه ها

۴

ادامه

سخن سردبیر

از صفحه ۱

گسترش فقر عمومی در ایران، خامنه‌ای برای بقای رژیم از اتوریته به اصطلاح معنوی خود استفاده نمود و نیروهای سرکوب ارادل و اوباش را دو برابر نمود. رژیم دوباره به جان زنان افتاد. زنان اکتویست به زندان محکوم شدند. کیس اسانلو و محمود صالحی به خیابانهای شهرهای بزرگ جهان کشیده شد. زندانیان، گروهی به دار آویخته شدند و احکام اعدام برای عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار صادر شد این لیست طولانی است.

اما مقاومت یک طرف دیگر این اوضاع است. مگر سال گذشته، مگر پیرارسال، مگر پس پیرارسال زنان مقاومت نکردند. مقاومت در مقابل جمهوری اسلامی یک اصل زنده ماندن در ایران است. رژیم برای در هم شکستن این مقاومت که فردی و سازمان نیافته است تلاش میکند. میخواهد هرچه بیشتر مردم را بترساند و آنها را خانه نشین کند. راه در هم شکستن این استراتژی تنها سازمان یابی است. باید سازمان و تشکل یابی را به امری جدی محافل پیشرو و رادیکال تبدیل نمود. باید از طرق مختلف ایده اینکه دیگر مقاومت فردی چاره ساز نیست و باید شبکه‌های وسیع بر علیه اوباشی که به زنان و دختران در خیابانها حمله میکنند را سازمان داد. ایجاد این شبکه در محل کار، زیست و تحصیل زنان و جوانان امری محال نیست. آنچه که تاکنون جدی گرفته نشده است نیروی جدی توده‌ای است که میتواند در این شبکه‌ها سازمان داده شود.

رهبران پیشرو و رادیکال باید در متقاعد کردن مردم و یافتن راههای ایجاد چنین تشکلهایی قدم پیش بگذارند و امر سازماندهی زنان بر علیه حجاب اجباری و بر علیه قوانین آپاتارید جنسی را به امر جدی مبارزاتی خود تبدیل کنند.

متن سخنرانی هما ارجمند ...

از صفحه ۱

بر سر یک دوراهی قرار گرفته است. از آنجائیکه دولت به سازمانهای کاتولیکی اجازه داده است که مدارس کاتولیک را به زبانهای انگلیسی و فرانسوی ایجاد کنند، جان توری و حزبش تصمیم گرفتند که دست سایر دستجات مذهبی را هم باز بگذارند. چیزی که در اینجا غایب است حقوق کودک است که عمدا نادیده گرفته شده است و این حقیقت که مذهب امر خصوصی والدین است و نباید در حقوق مدنی کودکان تاثیر

برای ایجاد تبعیض در جامعه و هویت سازی مذهبی برای کودکان و ایزوله کردن آنها است. اینها نه تنها هیچ طرحی جهت ایجاد امکانات اجتماعی برای کودکان که بتوانند فعالانه در سوخت و ساز جامعه شرکت کنند، ندارند بلکه مانع دسترسی کودکان و خانواده‌هایشان به دستاوردهای مدرن اجتماعی هستند.

واقعیت این است که دولت انتاریو

دستگیری و ضرب و شتم ۲۷۰ جوان در یکشب

خلاصه شده از نشریه دانشجویی بذر

بودند از مردم کمک می‌طلبیدند. برخی فریاد می‌زدند و برخی اشک میریختند. نیروهای سرکوب با باتوم به مادری که در مسیر اتوبوس به زمین نشسته بود حمله

چهارشنبه شب ۱۰ مرداد در یورش وحشیانه اوباش رژیم به يك باغ در اطراف کرج که کنسرتی در آنجا برگزار میشد، ۲۷۰ دختر و پسر جوان دستگیر شدند. تحقیر، فحشهای رکیک، تهدید به سنگسار و کتک زدن "مفسدین"، ورد زبان این ارادل و اوباش بود و اجرا میشد. برخی از خانواده‌ها که از محل بازداشت بچه‌ها خیردار شده بودند شب تا صبح را پشت در فرماندهی انتظامی بسر بردند با این امید که خبری دریافت کنند. بردند با این امید که خبری دریافت کنند. صبح پنجشنبه همه بستگان در بلواری که فرماندهی در آنجا قرار دارد جمع شدند. مردم بسیار بیمناک و خشمگین بودند. چون میدانستند از این وحشی‌ها هر جنایت و فسادى بر مى‌آید. همه با هم مشورت میکردند و به یکدیگر کمک و دلداری میدادند.

ساعت ۱۲ ظهر يك اتوبوس پر از دختران بازداشت شده از باغ فرماندهی انتظامی خارج شد. بسیاری از دختران روسری بسر نداشتند و در حالیکه دستانشان را از پنجره اتوبوس بیرون آورده



بردند و او را کشان کشان کنار زدند. این وحشیگری خون مردم را به جوش آورد. صدای اعتراض و فحش به رژیم و نیروهای سرکوبگرش در زیر آسمان داغ مرداد طنینی بسیار خطرناک برای حکومت داشت. مردم با پای پیاده یا با اتومبیل به دنبال اتوبوس حامل فرزندان زندانی‌شان می‌دویدند و فریاد می‌زدند، گریه میکردند و هو میکشیدند. نیروهای ویژه سرکوب با باتوم برقی بجان مردم افتادند. يك مادر در حالیکه از شدت خشم و اندوه بخود

داشته باشد. بگذارید بگویم که دفاع از حقوق کودک یعنی دفاع از حق حیات او و مصونیت جسمی و روحی او از هر نوع آسیب و تبعیض. از این رو ایجاد سدی محکم در مقابل دسترسی هر نوع مذهب و دستگاه مذهبی به کودک و حقوق او يك راه تامین چنین شرایطی است. و این سد محکم را اساسا دولت است که باید ایجاد کند. و بطور حتم داشتن يك سیستم آموزشی واحد سکولار برای تمام کودکان زیر ۱۸ سال یکی از راههای ایجاد چنین سدی است.

میلرزید فریاد می‌زد، ای کثافت‌ها! چرا گورتان را گم نمیکنید؟ يك مادر دیگر با گریه فریاد می‌زد: ای جهان متمدن کجایی که ببینید با ما چکار میکنید؟ يك پدر با بغض شعار میداد، بچه ام را بدین. حکومت پادگانی نمیخواهیم. يك مادر دیگر برای مردم میگفت، به دخترم گفتم به این کنسرت نرو این حکومت وحشی و عقده‌ای است و گیر میفتی. مادر دیگری میگفت، چرا بچه‌ها مون نباید شادی کنند و به کنسرت برن؟ اگر این حکومت جانی و آدمکش است تقصیر بچه‌های ما چیه؟

هنوز تعدادی از دستگیر شدگان داخل بازداشتگاه بودند. بعد از ساعتی چند دختر را آزاد کردند. آنها در حالیکه به شدت اشک میریختند و میلرزیدند و قادر به سخن گفتن نبودند به آغوش خانواده‌شان برگشتند. کلیه وسایل شخصی آنها را ضبط کرده بودند و به آنها گفته بودند یا باید امضاء کنید که روابط نامشروع داشته اید یا اینکه سنگسار میشوید (یعنی در هر حالت سنگسار میشوید). یکی از مادرها میگفت دختر او که حاضر به امضاء نشده شدیداً کتک خورده است. در فاصله چند ساعت همه بازداشت شدگان را به زندان رجایی شهر کرج منتقل کردند و به خانواده‌ها گفتند شنبه بیایید. خانواده‌ها به سرعت راهی زندان شدند.

ادامه در صفحه ۳

به سازمان آزادی زن پیوندید



تجاوز قبل از قتل ناموسی

آبروی خانواده را برده است. در دادگاه گفته شد که همسر سابق بناز به او تجاوز کرده و مکرراً کتکش زده است. حامه، که به گفته دادستان یکی از مرتکبان قتل بوده است، از طریق استراق سمع گفتگوی تلفنی وی با یک دوست در زندان، لو رفته است. در نوار ضبط شده، که متن کتبی آن در اختیار دادگاه قرار گرفت، حامه نحوه قتل بناز تحت "نظارت" عمویش را با خنده تعریف می‌کند. حامه در این نوار می‌گوید، "آن قدر به او لگد زدم و به گردنش کوبیدم تا جان از بدنش در رفت. جسد برهنه‌اش که فقط شورت پایش بود، جلوی چشم بود." روز سه‌شنبه ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۷، حامه در آخرین سخنان خود پیش از صدور حکم در دادگاه مرکزی جنایی لندن، جزئیات آخرین لحظات زندگی بناز را تعریف کرد. ویکتور تمپل، دادستان، گفت، یک روز قبل از قتل بناز، در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۶ در یک جلسه خانوادگی تصمیم گرفته شد پیش از آن که پلیس نقشه آن‌ها را نقش بر آب کند، قتل را به انجام برسانند.

خبر از شهرزاد نیوز

یک زن کرد در لندن توسط اعضاء خانواده و دوستانش، بیرحمانه مورد تجاوز قرار گرفت، کتک خورد و سرانجام خفه شد، زیرا او عاشق مردی "عوضی" شده بود.

بناز محمود، بیست ساله، پس از دو ساعت و نیم شکنجه با بند کفش خفه شد. جسد وی را در یک چمدان چپاندند و ۱۰۰ مایل آن طرف‌تر در بیرمنگام در باغچه پشتی خانه‌ای دفن کردند. جسد متلاشی شده وی در آوریل ۲۰۰۶، سه ماه پس از "قتل ناموسی" کشف گردید.

ماه پیش، محمد محمود ۵۲ ساله و عاری محمود ۵۱ ساله، پس از سه ماه محاکمه در یک دادگاه گناهکار اعلام شدند. همدست آنان، محمد حامه ۳۰ ساله قبلاً به قتل اعتراف کرده بود.

دادستان گفت که این سه مرد مجرم، همراه با دو مظنون دیگر که هنوز تحت تعقیب هستند، قتل را انجام دادند. آنان معتقد بودند که بناز با ترک شوهرش، یک کرد عراقی، که بناز در هفده سالگی به اجبار با وی ازدواج کرده بود، و عشق به یک کرد ایرانی به نام رحمت سلیمانی،

نشریه آزادی زن از نقد و پیشنهادات شما استقبال می‌کند. مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com
www.azadizan.net

دستگیری و ضرب و شتم ... از صفحه ۲

میکند، همان دست هزاران زحمتکش افغانی را شبانه از بیغوله‌هایشان بیرون میکشد، تحقیر میکند، از کشور اخراج میکند و خانواده آنها را از هم میپاشاند. ما تا زمانی که پشت به پشت هم ندهیم و در برابر هر

در این میان يك واقعه دیگر هم رخ داد. اتوبوس قراضه و درب و داغانی از داخل مقر نیروهای انتظامی خارج شد. مردم با این خیال که اتوبوس حامل فرزندان زندانی آنهاست به سرعت به طرف اتوبوس دویدند. اما این

اتوبوس پر از کارگران افغانی بود که دستگیر شده بودند. اتوبوس روانه مرز بود. مردم وقتی این صحنه را دیدند عقب آمدند و بهم گفتند افغانی‌ها هستند. در پس اتوبوس حامل کارگران افغانی و کودک



اقدام ستمگرانه این رژیم جانی که علیه افغانی و ایرانی، دختر و پسر، دانشجو و کارگر و معلم و غیره روا میدارد، مبارزه و اعتراض نکنیم، نمیتوانیم از شر این آدمکش‌ها خلاص بشویم. فقط با متحد شدن میتوان آرزوی آن مادر و میلیون‌ها انسان دیگر را برآورده ساخت.

پابرنه و فقیر به سرعت میدویدند. گریه میکردند. یکی به سرعت يك اسکناس هزار تومانی را از پنجره به دست کسی داد. یکی يك بسته بیسکویت به دیگری داد. صحنه بسیار تکان دهنده‌ای بود.

ما مردم باید بدانیم همان دستی که فرزندان مان را میدزد، شادی آنها را به غارت میبرد، آنها را شلاق میزند و شکنجه و تجاوز

سازمان آزادی زن
Women's Liberation - Iran

آدرس مرکزی سازمان آزادی زن جهت ارسال نشریات و اطلاعیه‌ها
azadizan@gmail.com

آدرس ایمیل خود و دوستانی که مایل هستند را برای ما بفرستید تا نشریات و اطلاعیه‌های سازمان آزادی زن را به طور منظم برایتان ارسال کنیم

عضو گروه اینترنتی سازمان آزادی زن شوید

azadizan-subscribe@yahooogroups.com

با عضویت در این گروه علاوه بر دریافت اطلاعیه‌ها و نشریات در بحث‌های جاری این گروه نیز شرکت کنید یا خودتان بحث‌های مورد نظرتان را با سایرین مطرح کنید و از نظرات دیگران آگاه شوید با ارسال یک ایمیل به:

azadizan-subscribe@yahooogroups.com

عضو گروه اینترنتی سازمان آزادی زن شوید

ستم بر زن موقوف!

از میان نامه ها



یادداشت سردبیر: خوانندگان گرامی! انتشار نامه‌های خوانندگان به معنی موافقت کامل نشریه آزادی زن با همه مطالب یاد شده در نامه نیست. لطفا مطالب خود را با Word فارسی بنویسید و برای ما بفرستید.

نامه اول 25 ژوئیه ۲۰۰۷
یک موضوع حاد اجتماعی و سنبل استبداد مذهبی است.

امیدوارم از موضع قدم اول استراتژیک در سرنگونی، به این موضوع حجاب اجباری توجه شود.

غریب

آنر ماجدی: با تشکر از نامه‌تان. این نامه در نشریه آزادی زن چاپ میشود. خوشحال میشویم با ما همکاری کنید. با آرزوی موفقیت.

نامه دوم 26 ژوئیه 2007

سلام خانم آذر ماجدی، سلام. از توجه‌تان به نامه‌ام و جواب متشکرم. با نگاه به صفحه اینترنت شما به این نتیجه رسیدم که نسبت به اهمیت قضیه حجاب اجباری (حجاب یک متر پارچه نیست!) واقفید. از آنجا که ما خارج کشوریها، دستانمان از مبارزه عملی و رو در رو در این رابطه بسته است، کاری که از دستان برمی‌آید، تحمیل این حق به دنیا (بخصوص اروپا و آمریکا که به لحاظ سیاسی با وجود اختلافات با رژیم، اساسا حاضر به معاوضه آن با یک رژیم آزاد و دموکرات نیستند) از طریق به رسمیت شناساندن این حق مسلم زنان در اعلامیه حقوق بشر میباشد.

امکان گرفتن حمایت از احزاب مختلف و شخصیت‌های خارج از کشور برای گنجاندن لغو حجاب اجباری در اعلامیه حقوق بشر هست. قسمتی از نامه‌ام به جرج بوش در سال 2005:

راه مبارزه با تروریسم، که به

سلام. بدون مقدمه چینی میروم سر اصل مطلب. موضوع حجاب اجباری، اینکه اساسا ربطی به اسلام ندارد و تنها وسیله ایجاد اختناق و تسلط بر خصوصی ترین انتخاب زنان میباشد، نیازی به بحث ندارد. آنچه که مهم است درک این مسئله است که با باز پس گرفتن این حق، راه برای گرفتن دیگر حقوق باز شده و سرکلاف سرنگونی رژیم استبداد مذهبی از اینجا باز میشود.

هر ایرانی آزاده‌ای، مسلمان یا غیر مسلمان، با حجاب اجباری مخالف است. این حق از حقوق دیگر ابتدائی‌تر است و مبارزه برای آن امری اجتماعی است که نیاز به دانش و فلسفه و ... ندارد و بزرگترین ضربه به بی ... است که بدین وسیله به زعم خود می‌خواهند ناموس جامعه را حفظ کنند.

این ریسمان میتواند محور اتحاد کلیه مبارزان راه آزادی اعم از مسلمان یا کمونیست یا ... باشد. وحشت رژیم از سست شدن این عنصر در جامعه خود گویای اهمیت این قضیه است. راه کارهای زیادی برای مخالفت با حجاب اجباری و تحمیل رفع آن به رژیم وجود دارد که نیروهای رژیم قادر به کنترل آن نخواهند شد. بدست آوردن حمایت‌های بین المللی نسبت به این موضوع بسیار آسانتر و منطقی‌تر از حمایت نسبت به موضوعات دیگر از قبیل حقوق زندانیان و رفع سنگسار و میباشد، چون



خودکشی بزند دور از انتظار نیست. دلارا در آخرین تماسی که با خانواده اش داشته از آنها خواسته دیگر به ملاقاتش نروند و حتی از دیدار با پدرش امتناع کرده است و این در حالیست که هنوز تلاش پدر دلارا و وکیل مدافعش برای انتقال او به زندانی



در تهران ادامه دارد. بتازگی دلارا را به زندان دیگری در رشت که کمی مدرنتر است منتقل کرده اند.

برای امضاء پتیشن اعتراض به حکم اعدام دلارا و مطالعه در مورد وضع او به آدرسها و سایت‌های زیر مراجعه کنید:

www.petitiononline.com/DL2222

www.savedelara.com

www.womeniniran.net/delara/titr.htm

www.adpi.net/Farsi.htm

دلارا 17 ساله به همراه دوست پسرش برای شیطنت و به قصد دزدی وارد خانه یکی از اقوام خود میشود، با مقاومت صاحبخانه روبرو شده و در جریان درگیری بین آنها، صاحبخانه به قتل میرسد. طبیعی است که هیچکدام از آنها قصد کشتن کسی را نداشته اند. دلارا بعد از اعتراف اولیه به قتل، اعتراف خود را پس گرفت و گفت که در حقیقت درگیری بین دوستش امیر حسین و صاحبخانه به عمل آمد و باعث قتل او شد، اما دوستش از او خواست قتل را به عهده بگیرد، چرا که او زیر سن قانونی و فامیل مقتول است و شانس نجات از اعدام را دارد.

دلارا دارابی به اتهام قتل مهین، دختر عموی پدر خود، دستگیر و در شعبه ۱۰۷ دادگاه ویژه اطفال رشت محکوم به اعدام شد. دلارا بطور کلی بچه شروری نبود، بلکه برعکس جوانی آرام، حساس، نقاش، پیانیست و هنرمند بود. حکم محکومیت دلارا در دیوان عالی کشور نیز تایید شد و اینک دلارای جوان 4 سال است که در زندان به انتظار اجرای حکم، با مرگ دست و پنجه نرم میکند.

دلارا که هم اکنون فقط 21 سال سن دارد در وضعیت بسیار بد روحی و روانی قرار دارد. چندین بار در زندان دست به خودکشی زده است و احتمال اینکه وی بار دیگر دست به

آزادی، برابری و سوسیالیسم نیاز جامعه انسانی است



علیه آپارتاید جنسی در ایران

آپارتاید جنسی، تقسیم و جدایی انسانها بر مبنای جنسیت، یکی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در برخی از جوامع کنونی و جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحميل کرده اند. آپارتاید جنسی سیاستی شنیع و همطراز آپارتاید نژادی است و همچون آپارتاید نژادی باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. بشریت متمدن نباید اجازه دهد که در هیچ گوشه ای از جهان چنین رفتار شنیعی با انسانها شود.

از اینرو ما امضا کنندگان زیر خواهان:

1. محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین المللی و حقوق بشری هستیم.
2. محکومیت رژیم اسلامی ایران بمتابسه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم.
3. اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین المللی هستیم.

برای امضاء دادخواست علیه حکومت اسلامی ایران به سایت زیر مراجعه کنید و آدرس سایت را به دوستان خود بدهید:

<http://www.againstgenderapartheid.com/>

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه
پروین کابلی

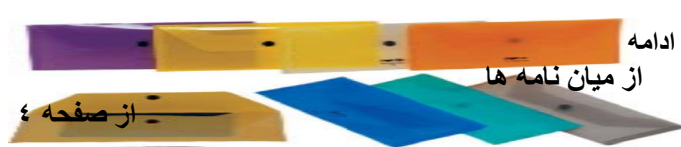
parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیاران سردبیر

نیاز قاندی
اسماعیل اوجی

مطالعه آزادی
زن را، به
دوستانتان نیز
توصیه کنید!



مردسالاری و زن ستیزی یک از ارکان هویتی اصلی اسلام است و باید به وسیع ترین شکلی افشاء شود. حجاب اسلامی سمبل بردگی زن است. لذا ماهیت سرکوب گرانه حجاب باید افشاء شود. در شرایط کنونی در ایران حجاب یک نقش مهم سیاسی نیز دارد و این مبارزه ما با حجاب اسلامی را حیاتی میکند. مبارزه ما با حجاب یک مبارزه آگاهگرانه و سیاسی است.

مبارزه ما با حجاب اجباری یک مبارزه سیاسی و حقوقی است. موضع ما در برابر حجاب اجباری، لغو آن و تامین حق آزادی پوشش است. اما این تمام موضع ما در قبال حجاب نیست.

مبارزه با حجاب یکی از ارکان مهم در مبارزه با جنبش اسلام سیاسی است. حجاب اکنون به پرچم سیاسی - هویتی این جنبش ارتجاعی بدل شده است. برای برخی از زنان و دختران جوان در محیط های اسلامی انتخاب حجاب به یک اعلام موضع سیاسی بدل شده است. در اینجا نه اجباری بودن حجاب، بلکه ماهیت ارتجاعی و سرکوب گرانه حجاب است که باید افشاء شود.

باید نشان داد که جنبشی که زنان را در حجاب می پوشاند، نه یک جنبش مترقی، بلکه عمیقاً ارتجاعی است. این فاکتورها مبارزه ما علیه حجاب اسلامی را میرم و بسیار ضروری میکند.

تشخیص درست شما مرکز ایدئولوژیک آن ایران است، مبارزه با اهرمهای اعمال دیکتاتوری مذهبی به نام اسلام است. حجاب اجباری و اجازه پدر یا قیم برای ازدواج زنان از اسلام گرفته نشده اند، بلکه توسط ایدئولوژیهای ولایت فقیه تنها برداشتی خمینی وار یا بن لادن وار از اسلام هستند. حمایت بین المللی از مبارزه مردم آزاده ایران برای لغو حجاب اجباری، سست کردن ستون و زیر بنای ایدئولوژی تروریستها و اولین قدم در گرفتن حربه اسلام از دست آخوندها و تروریستها میباشد. فرهنگ اکثریت مردم ایران، چه آنها که خود روسری سر میکنند و چه آنها که نمیکنند، با اجباری بودن حجاب مخالف است. اگر واقعا به گفته خودتان، که ثبات و امنیت منطقه ای و جهانی تنها با به وجود آمدن حکومتهای دموکراتیک و آزادی ملت ها امکان پذیر است، معتقدید، پس با اضافه کردن این حق مسلم زنان تحت ستم به اعلامیه حقوق بشر، به ایجاد این حکومت (دموکرات و آزادی خواه) در قلب تروریست جهانی کمک کنید. موفق باشید.

غریب

آذر ماجدی: غریب عزیز، با تشکر از نامه تان ذکر نکته ای ضروری است.

خصلت سیاسی حجاب تحت رژیم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی، نباید بر اسلامی بودن آن سایه بیاندازد. ما فقط مخالف حجاب اجباری نیستیم، مخالف حجاب اسلامی هستیم. مخالفت ما علیه حجاب اسلامی در دو سطح است.

نه به نابرابری حقوق زن و مرد!